

نخستین چهارمجلس

مقدمه

نگارنده این مقاله کوشیده است تا با استدلال‌های روشن و قریب به ذهن، چهار نکته مهم درسی در کتاب ادبیات فارسی سوم ریاضی را توضیح دهد. به این امید که همکاران محترم رشته زبان و ادبیات فارسی در صورت پذیرفتن توضیحات این حقیر، معنا و مفهومی واحد را به دانش آموزان خود ارائه نمایند.

امیر ترکمندی

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی
و مدرس مراکز پیام نور بیجار

چکیده
در بیت بنده همان به که ز تقصیر خویش/عذر به درگاه خدای آورد، واژه تقصیر باید کوتاهی در عبادت معنی شود نه گناه. در بیت مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر/ ما هم چنان در اول وصف تو مانده‌ایم نیز منظور از واژه مجلس همان کتاب گلستان یا مقدمه آن است و نباید به معنی عمر در نظر گرفته شود. برای معنا کردن بیت بترس از جهان دار بزدان پاک/ خرد را مکن با دل اندر مفاک، حرف اضافه با باید در مفهوم به همراه لحاظ شود تا بتوان مصراع دوم را درست و دقیق معنا کرد. همچنین، جهت ارائه معنایی مناسب برای بیت (نبرم از تو امید ای نگارین! / که تا از من نبرد جان شیرین) باید به دو نکته توجه خاص نمود: یکی حروف ربط که تا و دیگر توجه به معنای نهفته در دو بیت ذکر شده پس از آن.

درس اول / صفحه یک

«بنده همان به که ز تقصیر خویش/ عذر به درگاه خدای آورد
ورنه سزاوار خداوندی‌اش/ کس نتواند که به جای آورد»
در مصراع اول بیت نخست، واژه تقصیر به معنای کوتاهی در عبادت به کار رفته است و نباید آن را گناه معنی کرد. قرینه‌های

مؤید این سخن یکی اینکه آوردن «ورنه» در آغاز بیت دوم بیانگر ارتباط مستقیم میان مفاهیم نهفته در دو بیت بالاست و نباید هر بیت را به صورت مستقل و بدون توجه به بیت دیگر معنا نمود. همچنین با توجه به اینکه منظور شاعر از سزاوار

خداوندی‌اش همانا عبادت در خور و سزاوار خداوند است، بنابراین منظوری از تقصیر نیز کوتاهی در عبادت خداوند است. دلیل دیگر، اینکه سعدی - علیه الرحمه - در ادامه سخن خویش (صفحه دو، سطر ۱۹) بار دیگر واژه تقصیر را دقیقاً در مفهوم کوتاهی در عبادت به کار برده است: «عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عیدناک حق عبادتک». معنی دو بیت: با توجه به اینکه هیچ انسانی قادر نیست عبادتی را که شایسته ذات اقدس خداوندی است به جا بیاورد، بنابراین برای بندگان همان بهتر که به خاطر کوتاهی‌های خود در عبادت خداوند، به درگاه او توبه کنند و عذر تقصیر بخواهند؛ زیرا عبادتی که شایسته اوست، از عهده بندگان بر نمی‌آید.

درس اول / صفحه سه

«مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ما همچنان در اول وصف تو مانده‌ایم»

در بیت بالا واژه مجلس به معنای کتاب، نوشته و سخن به کار رفته است و در نهایت، منظور سعدی همان کتاب گلستان و مجالس سخنوری خود است؛ بنابراین، نباید آن را در مفهوم عمر به حساب بیاوریم. زیرا با توجه به ادامه مصراع «به آخر رسید عمر» اگر «مجلس تمام گشت» را هم به معنی تمام شدن عمر در نظر بگیریم به نوعی در کلام سعدی قائل به نوعی حشو شده‌ایم که با بلاغت و مغایرت دارد.

توضیح دیگر اینکه در بیشتر مواقع، نویسندگان مقدمه کتاب خود را زمانی می‌نویسند که کار تدوین و نوشتن کتابشان به پایان رسیده باشد. نویسنده پس از خاتمه نگارش اثر خود، در مقدمه آن انگیزه، هدف و محتوای مطالب مطرح شده در نوشته خود را بیان می‌کند. سعدی نیز مانند بسیاری از نویسندگان در مقدمه گلستان به بیان هدف و انگیزه خود برای تحریر این کتاب گران سنگ و همچنین مضامین، مطرح شده در آن می‌پردازد، بنابراین، مقصود سعدی - رحمت‌الله علیه - از «مجلس تمام گشت» همان به پایان رسیدن کتاب گلستان و به عبارت دیگر، به پایان رسیدن سخنان خود او در مقدمه این اثر ارزشمند است و با توجه به دلایل ذکر شده در بالا نمی‌توان آن را به معنای «به پایان رسیدن عمر» دانست.

معنی بیت: بالاخره این کتاب (گلستان یا مقدمه گلستان) به پایان رسید و عمر ما نیز در حال به پایان رسیدن است اما هنوز نتوانسته‌ایم تو را آن گونه که هستی، توصیف و ستایش کنیم.

درس دوم / صفحه یازده / رزم رستم و اسفندیار

«بترس از جهان دار یزدان پاک خرد را مکن با دل اندر مفاک» در توضیحات کتاب ادبیات برای مصراع دوم این بیت به اشتباه این معنی ذکر شده است: عقل و احساسات خود را تباه مکن و برخلاف عقل و احساس خود عمل نکن. در واقع در توضیحات کتاب حرف اضافه «با» به معنی «و» لحاظ شده است؛ در حالی که می‌بایست به معنای «به همراه» در نظر گرفته می‌شد. در

تشریح مفهوم این بیت ذکر یک نکته مهم و تدقیق در آن الزامی است و آن اینکه اتفاقاً اسفندیار در مواجهه با رستم گرفتار احساسات است و دقیقاً براساس احساسات و در عین حال برخلاف عقل و خرد عمل می‌کند. بنابراین، رستم از او می‌خواهد که عقل و خرد خود را به همراه احساساتش در تاریکی و ضلال فرو نبرد. با توجه به آنچه گفته شد، حرف اضافه «با» در جمله «خرد را مکن با دل اندر مفاک» به معنی «به همراه» است؛ یعنی، احساسات تو در تاریکی و ضلال قرار دارد. پس تلاش کن مانع آن شوی که عقل و خردت هم به همراه احساسات در تاریکی فرو رود و به عبارت دیگر تلاش کن عقل و خرد و منطقت گرفتار احساسات نشود.

لازم به ذکر است که فردوسی در ادامه نیز یک بار دیگر بر بی‌خردانه عمل کردن اسفندیار تأکید می‌کند و معتقد است که او در مقابله با رستم عقل و خرد را کنار گذاشته و براساس احساساتش رفتار می‌کند:

«تو با من به بیدادکوشی همی دو چشم خرد را ببوشی همی» معنی بیت: از خداوند و آفریدگار پاک بترس و عقل و خرد خود را گرفتار احساسات نادرست خویش مکن.

درس ویس و رامین / صفحه ۹۶

«بزم از تو امید ای نگارین که تا از من نبرد جان شیرین»

ارائه یک معنا و مفهوم دقیق برای این بیت - طوری که جامع لفظ و معنی باشد - در گرو دو نکته است: یکی توجه به حرف ربط «که» در ابتدای مصراع دوم و دیگر توجه به دو بیتی که پس از این بیت ذکر شده است.

در بسیاری از موارد دیده شده است که همکاران محترم ادبیات بدون توجه به این دو نکته، معنایی ساده و سطحی، که با محتوای اصلی این بیت همخوانی ندارد، ارائه می‌کنند و اغلب آن را این گونه معنی می‌کنند: ای معشوق زیبای من! تا زمانی که زنده هستم از وصال دوباره تو ناامید نخواهم شد. در حالی که شاعر مفهومی غیر از آنچه ذکر شد، بیان می‌کند و آن این است: ای معشوق زیبای من! هیچ‌گاه از وصال مجدد تو ناامید نخواهم شد تا بتوانم پیوسته زنده بمانم و روح و جانم مرا ترک نکوی؛ چرا که امید وصال تو به من توان زندگی می‌بخشد. در معنی کردن بیت بالا باید به حرف ربط «که» توجه ویژه شود که به همراه حرف ربط «تا» برای تعلیل و در مفهوم «برای اینکه و به خاطر اینکه» به کار رفته است و شاعر به وسیله آن می‌خواهد در ادامه، دلیل قطع امید نکردن ویس از وصال رامین را توضیح بدهد.

نکته دیگری که برای معنی کردن دقیق این بیت باید به آن توجه شود، تدقیق در بیت بعدی است که شاعر در آن به صراحت این نکته را بیان می‌کند که دلیل آنکه تا این لحظه زنده مانده‌ام، این است که هنوز از وصال معشوق قطع امید نکرده‌ام.

«مرا تا عشق صبر از دل براندست»

به این امید جان من بماندست»

دنباله مطلب در وبگاه نشر به

نویسندگان مقدمه کتاب خود را زمانی می‌نویسند که کار تدوین و نوشتن کتابشان به پایان رسیده باشد. نویسنده پس از خاتمه نگارش اثر خود، در مقدمه آن انگیزه، هدف و محتوای مطالب مطرح شده در نوشته خود را بیان می‌کند. سعدی از نویسندگان در مقدمه گلستان به بیان هدف و انگیزه خود برای تحریر این کتاب گران سنگ و همچنین مضامین، مطرح شده در آن می‌پردازد